



بازتاب آوازه

نوآوران سنتی

چند هفته پیش، از گروه موسیقی سنتی «دستان» گفتیم که گشت و گذار نثری گسترده‌ای را در اروپا آغاز کرده است. برنامه گروه در شهر کلن در آلمان، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد چون سرآغازی شد بر مجموعه کنسرت‌های فراگیری که سوی سازمان معتبر رسانه‌های غرب آلمان (WDR) زیر عنوان «موسیقی در عاده ابریشم» تدارک دیده شده است.

برگذاری کنسرت موفقیت آمیز دستان با شرکت دو خواننده شهرت یافته، شهرام ناظری و سیما بینا نکته‌های کمابیش تازه‌ای را به ذهن می‌آورد که یادآوری آنها، در زمانه‌ای که گرایش به نوآوری در موسیقی سنتی شدت گرفته است، می‌تواند سودمند باشد.

پیش از هر چیز باید گفت که موج تازه نوآوری پیشینه‌ای ده پانزده ساله پیدا کرده است. پس از نرتمش ناگزیری که کارگزاران فرهنگی نظام اسلامی - در پی شدت عمل‌های نخستین - در رویارویی با جامعه موسیقی ایران نشان دادند، جوانان از نو به میدان آمدند ولی نه آن گونه که کارگزاران می‌خواستند - و می‌اندیشیدند. برنامه، آن بود که تنها به گونه‌ای از موسیقی مجال اجرا بدهند که از حد نوحه و ندبه‌های قاجاری فراتر نرود، اصلاً می‌اندیشیدند که با «پاکسازبهای» که به کار زده‌اند، خود به خود دیگر کسی از این حد فراتر نخواهد رفت، ولی چنین نشد. چون سازگار با زمانه نبود. حدها و سدها، یکی پس از دیگری شکسته شد. طرفه آن که در این حوزه نیز مغزشوییها و پالایشهای اندیشه‌ای نه تنها راه به جایی که می‌خواستند نبرد که پیامدهای وارونه بر جای نهاد. بعد از دو سه سال هنرستانها، هرچند نیم‌بند، از نو به کار افتاد. کلاسهای خصوصی بنیاد شد. شور و شوقی وصف ناپذیر در جامعه جوان برای آموختن و نواختن پدید آمد. و تا آن زمان هرچه استاد می‌گفت، تکرار می‌کردند، به خود آمدند، تقلید را رها کردند و خود دست به آفرینشهای تازه زدند. نتیجه آن شد که در کنسرت‌های موسیقی سنتی در ده دوازده سال گذشته بارگه‌هایی از نوآوریهای دلپذیر روبرو شده‌ایم. همین رگه‌های رو به افزایش، امروز آنچنان جاذبه‌ای به موسیقی سنتی ما بخشیده که نه تنها در دل و جان خود ما نفوذ می‌کند، بلکه اروپائیان را نیز که در گذشته از آن می‌رمیدند، سراپا گوش، در تالارها نگاه می‌دارد.

گروه دستان، در کنسرت تازه خود، به یاری نوآوریهای چشمگیر، همین جاذبه را برای موسیقی ما فراهم آورده است. در تالار بزرگ «فیلارمونی» در شهر کلن، دست کم ۲۲۰۰ شنونده، گوش به موسیقی دستان سپرده بودند که بیش از یک سوم آنان را آلمانیها تشکیل می‌دادند.

بی‌آنکه بخواهیم قدر آوازخوانان برنامه را بکاهیم، با وجدان آسوده می‌گوییم که بیشترین سهم جاذبه کنسرت به آهنگها و «سازآرایی» آنها تعلق دارد. ارکستر یکپارچه، شور و هیجان است. لحظه‌ای شنونده را رها نمی‌کند. سازها در عین پیوند با یکدیگر، شخصیت خود را حفظ می‌کنند. هر کدام بر بستری از «واخوان» سازهای دیگر، قد می‌کشند. سر بر می‌آورند، سخن می‌گویند و بعد به بستر واخوان باز می‌گردند و جای به ساز دیگر می‌دهند. محور اصلی همه رفت و برگشتها و چرخشها، «ریتم»های پی در پی در هم تنیده است. این ریتم‌ها از آسمان نیامده است. در دل موسیقی سنتی ما خفته است. باید بیدارشان کرد. باید از نو کشفشان کرد.

«حمید متیسیم»، سرپرست، آهنگساز و تنظیم کننده گروه دستان، چون تنی چند دیگر از هم‌تایان خود دریافته که سبب اصلی ملال آور شدن موسیقی سنتی دور ماندن از «ضربه»هایی است که در آن به خواب رفته‌اند یا ضربه‌هایی که می‌توان برای سرزنده ساختن آن پدید آورد. بخصوص وقتی پای غزلیات پیران و غران مولوی در میان باشد، بدون ضربه و ضربان، نمی‌توان وارد میدان شد. برخی از «نغمه»های کنسرت از آن «شهرام ناظری» است، ولی سازآراییهای پررنگ متیسیم، از آنها مجموعه‌ای پرهیجان به وجود آورده است. مجموعه‌ای که در خور تغزل توفنده مولوی است:

«یک خانه پر ز مستان، مستان نور رسیدند / دیوانگان بندی، زنجیرها در بدند / جانهای جمله مستان، دل‌های دل پرستان / ناگه ففس شکستند، چون مرغ بر پر بدند»

غزلی چنین، آواز سنتی معمولی نمی‌طلبد. در جستجوی آن موسیقی است که...



برای کودکان جهان

ما گل می دهیم

ژاله اصفهانی

ستاره‌ها را
و در سیارات گل می‌کاریم
گل می‌دهیم.



آی دیروزی‌ها!

امروزیان

سازندگان

ویرانگران جهان!

باور کنید ما را

ما گل می‌دهیم

گل‌های رشد، رهایی، امید

گل می‌دهیم

اگر شما بگذارید.



باور کنید شکفتن رؤیا را

آیندگان پرنده به دنیا می‌آیند

آیندگان پرنده به دنیا می‌آیند



کاش می‌دیدیم

عجوبه‌های آزاد فردا را

ما گل می‌دهیم
گل‌های رنگ رنگ، عطر افشان
با همین شاخه‌های نورس
با همین ساقه‌های نازک
با کودکی

با نوجوانی مان

گل می‌دهیم

گلبرگ‌ها مان - مرواری‌های درخشان.



ریشه ما در آب است

روشنامان در آفتاب

در آب و آفتاب

گل می‌دهیم



ناسازگار است هوا؟

سازگار می‌کنیم هوا را

همچون رشته‌های اینترنت

هر لحظه دور می‌زیم دنیا را

بال در می‌آریم

زیر پر می‌گیریم فضا را

آواز پری زنگنه در حضور تماشاچیان زن و مر

